



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

Volume 2, Issue 1, 2022

## Women Differential Rights in the Execution of Punishments

Mina Jafari <sup>1</sup>, Mazaher Khajevand <sup>\*2</sup>

1. M.A, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanity, Sari Branch, Islamic Azad University, Sari, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Nowshahr Branch, Islamic Azad University, Nowshahr, Iran. (Corresponding Author)

### ARTICLE INFORMATION

**Type of Article:**

**Original Research**

**Pages:** 71-78

**Corresponding Author's Info**

**ORCID:** 0000-0003-3872-6459

**TELL:** +981152226601

**Email:** mazaher.khajvand@iaau.ac.ir

**Article history:**

**Received:** 31 Jan 2022

**Revised:** 07 Feb 2022

**Accepted:** 09 Feb 2022

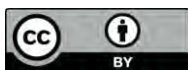
**Published online:** 21 Mar 2022

**Keywords:**

*Punishment, Women,  
Differential Rights.*

### ABSTRACT

The equality principle is one of the important principles of punishment. Nevertheless, the type and manner of execution of punishments for women is one of the significant issues that have been discussed in jurisprudence. The basic question posed and investigated in this respect is, what are the specific rights of women in the type and manner of execution of punishments from a jurisprudential perspective? The present paper is descriptive and analytical and has investigated the above-mentioned question using the library method. The results of the study indicate that the principle of equality, including in punishments, is accepted in Islam. However, equality does not mean the same thing, and in some cases, the amount and execution of punishments for women are different, which is defined on the specific rights of women in punishments. The specifics of women in the field of punishment, including in cases, such as punishment for Adultery, Muharibeh, and Apostasy, have been observed and considered. In terms of the execution of the punishment, in cases, such as flagellation, a more favorable situation is considered, and in some cases, such as during pregnancy, menstruation, and puerperal illness, the execution of the punishment is delayed. As the conclusion of the paper, it should be noted that in Islamic thought, in addition to their common position, men and women also have a special position based on their different roles, functions, and characteristics, and therefore, women's "right to be different" should be defended and justice should be performed. Implementing the equality principle without considering differences is unfair.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

**How to Cite This Article:** Jafari, M & Khajevand, M (2022). "Women Differential Rights in the Execution of Punishments" . *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(1): 71-78.



## مقدمه

اصل تساوی در مجازات‌ها از اصول مهم حقوق کیفری است که مطابق آن، مجازات برای همه فارغ از رنگ، نژاد و طبقه قابل اعمال است. از آیه ۱۳ سوره حجرات<sup>۱</sup> نیز این اصل قابل استنباط است. دین اسلام مبتنی بر کرامت انسان‌ها و احترام به حقوق آن‌ها است و از آنجا که یکی از اهداف مجازات اصلاح اجتماعی است، برای رسیدن به این هدف لازم است که مجازات‌ها از بنیان عقلی برخوردار بوده و بر اساس اصل تساوی انسان‌ها برای همه یکسان باشد. با این حال، جنسیت به‌عنوان یک عامل مهم در حقوق و تکالیف فردی و اجتماعی، همواره در تمامی جوامع مورد مطالعه و در کانون توجه بوده است. در بحث مسؤلیت کیفری مطابق اصل تساوی مجازات‌ها، جنسیت در تعیین و نحوه اجرای مجازات‌ها تأثیرگذار نیست. اما در قوانین کیفری اسلام مواردی مشاهده می‌شود که احکام جزایی زن و مرد متفاوت می‌باشد که موضوع مقاله حاضر است.

تألیفات متعددی در زمینه زنان و حقوق کیفری انجام شده که از برخی جهات با موضوع مقاله حاضر دارای شباهت است: فتح الله عزیزی و علی جمادی، در مقاله‌ای به بررسی مبانی فقهی و حقوقی تفاوت‌گذاری جنس و دین در نظام حقوق کیفری ایران پرداخته است (عزیزی و جمادی، ۱۳۹۵). افسانه میریان، معصومه رشاد و محمدرضا ایمانی نیز در مقاله‌ای تخفیف و تشدید مجازات زنان در حقوق کیفری ایران را مورد بررسی قرار دادند (میریان و همکاران، ۱۳۹۶). همچنین جواد حبیبی‌تبار، اعظم خوش صورت و جواد خسروی، در مقاله‌ای از تأثیر جنسیت زنان در مجازات تبعید از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران بحث کرده‌اند (حبیبی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۸).

در مقاله حاضر اما به صورت خاص و جامع‌تر، حقوق اختصاصی زنان در اجرای مجازات‌ها موضوع بحث و نظر است. سؤال اساسی که در این خصوص مطرح و بررسی می‌شود این است که اجرای مجازات‌ها در خصوص زنان از منظر فقهی چگونه است؟ به عبارتی از منظر فقهی، زنان در اجرای مجازات‌ها از چه حقوق اختصاصی برخوردار هستند؟ به منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا اختصاصات مجازات زنان در زنا و ارتداد بررسی می‌شود و در ادامه به اختصاصات نحوه اجرای مجازات‌ها در خصوص زنان پرداخته می‌شود.

## ۱- اختصاصات مجازات زنان در زنا

## ۱-۱- تخفیف مجازات زانیه در زنا بکر

یکی از تقسیم‌بندی که از لحاظ فاعل جرم زنا صورت گرفته و در آن بین زن و مرد مجرم تفاوت گذاشته شده است، مربوط به زن غیرمحصنه است و او کسی است که عقد دائم و ازدواج کرده ولی دخول انجام نگرفته است. بر اساس دیدگاه مشهور فقها، مجازات زن غیرمحصن در مقایسه با مرد غیرمحصن از ارفاق و تخفیف برخوردار است: محقق حلی در این باره می‌فرماید: «جلد و تعزیر، یعنی تازیانه زدن و تبعید واجب می‌شود بر مرد آزاد غیرمحصن که زده می‌شود صد تازیانه و تراشیده می‌شود سر او، و آواره کرده می‌شود از شهرش به سوی شهر دیگر به قدر یک سال. اما زن، بر او واجب است، یعنی: صد تازیانه، و آواره کردن و سر تراشیدن بر او نیست» (حلی، ۱۳۷۰، ۴: ۱۸۵۴-۱۸۵۵). شیخ طوسی در خلاف دقیقاً همین نظر را بیان کرده و بر آن ادعای اجماع نموده است. (طوسی، ۱۴۰۳: ۳۰۳).

صاحب جواهر در مورد عدم تبعید زن و تراشیدن موی سر او می‌فرماید که: «مخالفت قابل توجهی وجود ندارد و این حکم موافق حکمی است که از ابن عقیل عمامی و اسکافی و حلوی نقل شده و مطابق صریح «مبسوط» و «خلاف» و «سرائر» نیز هست بلکه شهید در «مسالك» آن را به اکثر متأخرین نسبت داده است.

<sup>۱</sup> - ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شما است. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است.

در اغلب اندیشه‌های کیفری مربوط به توجیه مجازات، دفاع از جامعه به‌گونه‌ای مورد توجه بوده است.

### ۱-۲- زنای مجنون

فقدان عقل و به‌عبارت دیگر جنون، عامل رفع قلم و عدم مسؤولیت کیفری است. در بین فقها اجماع وجود دارد که برای زن زناکار، جنون عامل رفع مسؤولیت است که ما در خصوص مرد زناکار، گرچه مشهور قائل به عدم مسؤولیت است، عده‌ای از بزرگان با استناد به روایت، جنون را عامل رفع مسؤولیت از مرد ندانسته‌اند. در «مقنع» شیخ صدوق آمده است: «زن دیوانه اگر زنا دهد، حد نمی‌خورد ولی مرد دیوانه اگر زنا کند حد برای او جاری می‌شود» (بروجردی، ۱۳۸۶: ۸۲). و در کتاب «مبسوط» و «خلاف» نیز دقیقاً همین نظر را بیان کرده‌اند. شیخ صدوق نیز در مورد زنا مجنون چنین فتوی داده است: «اگر مجنونه زنا کند حد نمی‌خورد و اگر مجنون زنا کند حد می‌خورد» (ابن بابویه، ۱۴۱۵: ۱۵۶). البته برخی فقها نظریه مشهور فقها را رد و فرموده‌اند: «گفته شده که اگر مجنون با عاقله‌ای زنا کند باید او را جلد و در مورد احصان رجم نمود و این نظر مناسبی نیست» (حلی، ۱۳۷۰: ۲۳۷/۲).

شهید اول در «لمعه» مجازات را برای مجنون ثابت نمی‌داند (مکی عاملی، ۱۳۷۴: ۲۷۱/۹). البته صاحب «ریاض» می‌فرماید که «در زنا محصن با مجنون حد رجم ساقط نمی‌شود» (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۴۶). در میان علمای متأخر، فتوای صاحب «جواهر» بر عدم مجازات مجنون است و در میان معاصرین به‌عنوان نمونه می‌توان امام خمینی را نام برد که بر عدم اجرای حد بر مجنون تصریح کرده است (موسوی خمینی، ۱۳۷۵: ۴۶۳/۲). مهمترین دلیل برای عدم مجازات زن مجنون اصل برائت از رجم و کمتر بودن احترام زن دیوانه نسبت به زن عاقله است لذا اگر کسی زن دیوانه را قذف بکند او را حد نمی‌زنند و این مقتضی مجازات کمتر است.

دیگران گفته‌اند این فتوا، فتوای مشهور فقها است مانند علامه در «مختلف» (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۴۶) صاحب ریاض همین نظر را دارد و در مسالك و غنیه بر آن ادعای اجماع کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۵۰). همه مطالبی که در مورد تراشیدن موی سر و تبعید گفتیم مربوط به مرد زانی است اما برای زن زانیه فقط یک‌صد ضربه شلاق می‌زنند برای او نه تبعید است نه تراشیدن سر. و از خلاف و مبسوط و غنیه برای نبودن تبعید هم نقل اجماع شده است. این نوع اجماعات مستند به روایات است (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۴۷). صاحب ریاض به اصل براءت استناد کرده و این حکم را حکمی دانسته که به مردها اختصاص دارد نه زن‌ها و آن را زینت زن محسوب کرده است (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۵۲).

نتیجه اینکه از حیث مجازات بین بکر و بکره این تفاوت وجود دارد که بر مرد غیرمحصن صد تازیانه زده می‌شود، سرش تراشیده می‌شود و از شهرش به مدت یک سال به شهر دیگر تبعید می‌شود اما زن بر او صد تازیانه است بدون تبعید و تراشیدن سر. این سه مجازات بر بکر است اتفاقاً و دلیل آن روایات و اجماع است. (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۵۱). صاحب جواهر هم برای نبودن تبعید برای زنان استدلال کرده که اگر زن را بخواهند تبعید کنند باید او را به همراه شخص محرم (مانند شوهر، پدر، برادر) تبعید کنند درحالی‌که به حکم آیه ۶ سوره انعام که هیچ گناهکاری گناه دیگری را متحمل نمی‌شود، گناه او نباید دیگری را هم گرفتار کند (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۵۲). در «فقه الصادق» تصریح شده است: «شهرت عظیمیه و اجماع و آنچه در کلمات فقها مبنی بر این است که زن عورت است و حفظ و صیانت آن واجب است ما را منع از تبعید زن می‌کند» (روحانی، ۱۴۲۲: ۲۱۱/۲۵). با وجود نظرات معدود در مورد تبعید زن، مشخص می‌شود دلیل اجماع دلیل قابل اعتمادی نیست اما عدم تبعید زن را می‌توان مستند به دلیل عقل دانست. می‌توان گفت اینکه زن تبعید نمی‌شود نه به خاطر تخفیف مجازات زن بلکه برای دفاع از جامعه؛ توضیح اینکه

## ۱-۳- زنای به عنف

یکی از انواع زنا، زناى اکراهی یا زناى به عنف است که در این جرم، مجازات زانی، قتل بالسیف یعنی کشته شدن با شمشیر است. محقق حلی برای تحقق اکراه وجود سه رکن را ضروری می‌داند که عبارت‌اند از: قدرت مکروه برای انجام تهدیدات خود؛ ظن بر عملی کردن آن تهدیدات در صورت امتناع از درخواست او؛ و مضر بودن آنچه بدان تهدید شده برای مکروه یا بستگان او (حلی، ۱۳۷۰: ۱۳/۴). بعضی از بزرگان در اینکه بتوان مرد را علی‌رغم میلش به زور به زنا مجبور کرد تشکیک کرده‌اند صاحب «غنیه» به‌طور جزم معتقد است که مرد را نمی‌توان به زنا مجبور کرد زیرا عدم تمایل او مانع از آمادگی اعضاء و انتشار عضو برای این عمل می‌گردد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶۵/۴۱). صاحب «جواهر» معتقد است که اکراه مرد به زنا معنی و مفهوم ندارد تا زمانی که مرد اراده نداشته باشد و نخواهد، فعل از او صادر نمی‌شود. با این بیان که آمیزش مرد با زن بستگی به نعوذ شدن آلت تناسلی مرد دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۶۵/۴۱). اما مشهور است فقها قائل‌اند که اجبار مرد به زنا امکان دارد (حلی، ۱۳۷۰: ۱۸/۴؛ شهید ثانی، ۱۳۷۴: ۱۲/۲).

همان‌طور که مشاهده می‌شود آنچه در خصوص زناى اکراهی مطرح شده در مورد مردی است که زنی را وادار به زنا کرده باشد و در خصوص وضعیتی که زنی، مردی را وادار به زنا نماید سؤالی و سخنی به میان نیامده است. شاید علت آن، عدم وقوع چنین وضعیتی در عمل باشد.

## ۲- اختصاصات مجازات زنان در ارتداد

یکی از مواردی که اجماع قطعی فقها در آن قابل تحصیل است تفاوت زن با مرد در مجازات ارتداد است به طوری که با کنکاشی که در کتب مهم فقه از آغاز تاکنون به‌عمل آمده هیچ مخالفتی در مسأله مشاهده نشده است. «زن مرتد کشته نمی‌شود هرچند فطری باشد، بلکه حبس ابد می‌شود و در اوقات

نماز زده می‌شود و به کارهای سخت وادار می‌شود و خشن‌ترین لباس‌ها به او پوشانیده می‌شود و ناگوارترین طعام‌ها به او خوراند می‌شود تا اینکه یا توبه کند یا بمیرد. در اخبار و کلام بزرگان ذکری از مجازات‌های مالی و اقتصادی، همان‌گونه که در مورد مردان مرتد گذشت، به میان نیامده است و این بدان معنا است که در این بخش زنان از ارفاق برخوردار شده‌اند» (مکی العاملی، ۱۳۷۴: ۲۸۴). امام خمینی نیز در این خصوص می‌فرماید: «زن اگرچه مرتد فطری باشد کشته نمی‌شود بلکه همواره در حبس نگاه داشته می‌شود. و در اوقات نماز به مقداری که حاکم تشخیص می‌دهد او را می‌زنند و به کارهای شاق وادارش می‌کنند و خشن‌ترین لباس‌هایی را بر او می‌پوشانند. زمانی که زن مرتد شد کشته نمی‌شود. زمانی که زن مرتد شود کشته نمی‌شود بلکه زندانی می‌شود و به اسلام مجبور می‌گردد تا بازگشت نماید یا در زندان بمیرد» (موسوی خمینی، ۱۳۷۵: ۱۹۶/۲). شیخ طوسی در کتاب «الخلافا» سه دلیل را به این حکم اقامه می‌کند: اجماع شیعه، اخبار وارده و اصل که حقن دماء است و حکم به قتل نیازمند به دلیل است (طوسی، ۱۴۰۳: ۱۴۵). اگر زن مرتد شد چه مرتد فطری چه ملی، زن را نمی‌کشند. به دلیل اجماع منقول و محصل و روایات بلکه او را اگر مرتد فطری باشد حبس دائم کرده و در اوقات نماز به او کتک می‌زنند. یکی از مهم‌ترین دلایل در این خصوص، روایات است. حضرت علی (ع) فرمودند: هرگاه زنی از اسلام روی‌گردان شود کشته نمی‌شود ولی برای همیشه به زندان افکنده می‌گردد (طوسی، ۱۴۰۳: ۱۴۳).

بر اساس آنچه گفته شد، مسأله مهمی که در زمره تفاوت حکم زن و مرد در حدود مطرح‌شده، بحث از ارتداد زن و مرد است که با ارتداد مرد اگر مرتد فطری باشد کشته می‌شود ولی برای زن باید شرایط توبه را فراهم ساخت و کشتن او جایز نیست و این درواقع از امتیازاتی است که برای زن در نظر گرفته شده است. باید توجه داشت که از دیدگاه اسلام همه انسان‌ها (زن و مرد) در خلقت یکسان‌اند و نسبت به

است که: «تا زمان وضع حمل زن و نیز زمان شیر دادن به کودک صبر می‌شود و پس از آن حکم رجم در خصوص وی اجرا می‌گردد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۰۸/۲۸). صاحب جواهر گوید: در این مسأله نیز خلافتی نیست نه از نظر نص نه فتوی (نجفی، ۱۴۰۴: ۲۸۰/۴۱). در خبر موثق آمده است که از امام صادق (ع) پرسیدم که زن محصنه مرتکب زنا شده و حامله است فرمود او را می‌گذارند تا آنچه در شکم دارد زائیده و بچه‌اش را شیر داده سپس او را سنگسار می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۶۰). اگر زن در مدت زایمان ضعیف بود تازیانه او را به پایان مدت زایمان تأخیر می‌اندازند ولی اگر قوی بود بلافاصله بعد از زایمان اجرا می‌کنند و عمل به آن ایرادی ندارد (طباطبایی، ۱۴۱۲: ۶۱). شیخ مفید علاوه بر اینکه نفاس را نوعی مرض می‌داند معتقد است که زن باردار در دوران بارداری زندانی می‌شود» (شیخ مفید، ۱۴۱۰: ۷۸۲). در کل باید گفت که بر زن حامله حد جاری نمی‌شود تا اینکه وضع حمل نموده و بچه‌اش را شیر دهد و او را تا حدی بزرگ کند.

### ۳-۲-۲-۳- حیض و مریضی

یکی از خون‌هایی که زن ممکن است ببیند استحاضه است. فقهای عظام در رساله‌های خود در خصوص استحاضه و احکام آن نظر داده‌اند. استحاضه خونی است که از زن خارج می‌شود؛ به عبارت دیگر غیر از خون‌های حیض و نفاس و زخم و دمل خونی که از رحم زن خارج می‌شود، استحاضه است که غالباً کمرنگ و زردرنگ و سرد و رقیق است و ممکن است گاهی تیره‌رنگ و یا سرخ غلیظ باشد و با فشار و سوزش خارج می‌شود. استحاضه را به قلیله و متوسطه و کثیره تقسیم نموده‌اند. بعضی نیز فقط به قلیله و کثیره تقسیم کرده‌اند که هر یک دارای احکام خاص خود می‌باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۷۱: ۴۳۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۴۰۲-۴۲۵). استحاضه موجب تأخیر در اجرای برخی از مجازات زنان می‌گردد. چنانچه قاضی مجری حکم و مجازات به هر نحوی

یکدیگر برتری ندارند و تنها ملاک برتری تقوای الهی است. با این حال هر یک از دو جنس زن و مرد دارای ویژگی‌های روحی، روانی و جسمی خاص خود است که او را از دیگری متمایز می‌سازد. بنابراین می‌توان گفت که زن‌ها نظر به این که از لحاظ سازمان دفاعی و فکری نوعاً با مردها متفاوت‌اند و زودتر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، چنانچه مرتد شوند اسلام برای آنها کیفی آسان‌تری قرار داده است.

### ۳- اختصاصات زنان در نحوه اجرای مجازات‌ها

#### ۳-۱- اختصاصات زنان در اجرای شلاق (تازیانه)

در زمینه کیفیت و نحوه اجرای شلاق بین زن و مرد تمایز وجود دارد: مجازات تازیانه بر مرد زانی باید به صورت ایستاده باشد و به جز پوشش عورت، لباس دیگری بر تن نداشته باشد ولی در مورد زن، لباس‌های او را بر بدنش می‌بندند (مرعشی شوشتری، ۱۳۶۵: ۴۶۶/۲). صاحب «شرایع» می‌فرماید: مرد زناکار در حالت برهنه تازیانه زده می‌شود و بعضی گفته‌اند بر همان حالتی که یافت شده است و زن در حالت نشسته، در حالی که لباس‌هایش بر او بسته شده است زده می‌شود. این قول مشهور فقها است (حلی، ۱۳۷۰: ۱۸۵۸). شیخ مفید همین نظر را دارد و علت را این‌گونه بیان می‌کند: برای اینکه هتک حرمت نشود و عورتش آشکار نشود (مفید، ۱۴۱۰: ۷۸۰). علت این امر از یک طرف، حکم پوشش زن به دلیل لزوم حفظ حجاب اسلامی برای او است و از سوی دیگر، رعایت حال جسمی و ظرافت بدن او. این تفاوت در جهت حمایت از وی در مقابل آسیب‌های احتمالی جسمی است.

#### ۳-۲- اختصاصات تأخیر در اجرای مجازات زنان

##### ۳-۲-۱- بارداری، شیردهی و نفاس

بارداری زن یکی از موارد تأخیر در برخی مجازات‌ها است که پس از اثبات تا زمان وضع حمل باید قرار تأخیر اجرا صادر شود. مبنای فقهی عدم اجرای حد در مورد زن باردار تا زمان وضع حمل و خروج از نفاس، این روایت از امام صادق (ع)

مطلع شود نظر پزشک قانونی و یا پزشک معتمد را جلب نموده اگر اعلام شود استحاضه است، اجرای مجازات تا رفع مانع به تأخیر می‌افتد. استحاضه هم در مجازات حدی و هم تعزیری مانع محسوب می‌شود.<sup>۱</sup>

هرگاه کیفر مریض و زن مستحاضه رجم باشد، بدون درنگ رجم می‌شوند زیرا به‌رحال مرگ سرنوشت آن‌ها خواهد بود ولی هرگاه کیفر این دو ضربات تازیانه باشد، به مریض مهلت داده می‌شود تا بهبودی یابد تا مبدا تازیانه زدن به مرگ آن منجر شود. روایت نقل شده از امام صادق (ع) نیز آن را تأیید می‌کند که فرموده است: «حد بر مستحاضه جاری نمی‌شود تا اینکه خون‌بند آید ولی حائض سالم است، حیض بیماری نیست و بر تعادل مزاج دلالت دارد» (جبی عاملی، ۱۳۷۴: ۴۱). صاحب «شرایع» نیز می‌فرماید: «بیمار و مستحاضه سنگسار می‌شوند ولی تازیانه زده نمی‌شوند و انتظار می‌کشند تا بهبودی یابند و بعد از آن حد جلد بر آن‌ها جاری می‌شود و اگر مصلحتی اقتضاء تعجیل در اجرای حد را بنماید به ضغث زده می‌شوند ولی حائض حدش به تأخیر نمی‌افتد زیرا حیض بیماری نیست» (محقق حلی، ۱۳۷۰: ۱۸۵۶/۴۴).

طبق نظر امام خمینی (ره) «حد بر مریض و مانند او مثل صاحب قروح و مستحاضه در صورتی که رجم یا قتل باشد واجب است و هیچ‌یک از آن‌ها جلد نمی‌شود. در صورتی که قتل یا رجم واجب نباشد به جهت اینکه خوف سرایت وجود دارد و انتظار خوب شدن کشیده می‌شود» (موسوی خمینی، ۱۴۲۵: ۱۹۱/۲). از امام صادق (ع) نقل است که: «علی با مردی مواجه شد که بایستی بر او حد جاری می‌کردند و آن مرد زخم و جراحات زیادی در بدن داشت. آن حضرت فرمودند: او را

درجایی نگه‌دارید تا بهبود یابد. مبدا زخم‌های او را بکنید و باعث مرگ او شوید» (کلینی، ۱۴۰۷: ۷/ ۲۴۴: حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۹/۲۸: منتظری، ۱۴۳۱: ۶۱۷). با ملاحظه موارد مزبور، تکلیف قاضی اجرای حکم در مواجهه با محکوم‌به رجم یا جلد، بیمار یا مستحاضه به‌این ترتیب است که در رجم موجبی برای تأخیر اجرای حکم نیست، ولی در جلد تا حصول بهبودی اجرای مجازات به تأخیر می‌افتد. تشخیص بیماری یا استحاضه از طریق ارجاع محکوم‌به پزشکی قانونی به‌راحتی میسر خواهد بود.

### نتیجه‌گیری

در میزان و نحوه و تأخیر اجرای مجازات تفاوت آشکاری بین زن و مرد ملاحظه می‌شود که به نوعی بر حقوق اختصاصی زنان در مجازات‌ها دلالت دارد. بعنوان مثال از حیث نوع و میزان میزان مجازات در مورد ارتداد، اگر زن مرتد شد چه مرتد فطری چه ملی زن، کشته نمی‌شود. در خصوص تفاوت در نحوه اجرای مجازات نیز برهنه و با پوشش بودن، ایستاده یا نشسته بودن در اجرای جلد مواردی است که قابل اشاره است. همچنین می‌توان به تأخیر در اجرای مجازات اشاره کرد. به نظر می‌رسد در نظام حقوقی اسلام به دلیل تفاوت‌های زن با مرد از جمله تفاوت‌های فیزیکی میان آنها، برخی تسهیلات برای زنان در نوع و نحوه مجازات‌ها در نظر گرفته شده است.

**ملاحظات اخلاقی:** موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

**تعارض منافع:** تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

**سهم نویسندگان:** نگارش مقاله توسط نویسنده نخست و نظارت بر آن توسط نویسنده مسؤول بوده گرفته است.

<sup>۱</sup> - ماده ۹۳ قانون مجازات اسلامی: هرگاه مریض یا زن استحاضه محکوم‌به قتل یا رجم شده باشند، حد بر آن‌ها جاری می‌شود ولی اگر محکوم‌به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تأخیر می‌افتد.

تبصره - حیض مانع اجرا نیست.

ماده ۲۸۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری - مجازات شلاق تعزیری در موارد زیر تا رفع مانع اجرا نمی‌شود.

الف - زنی که در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه باشد.

- عزیزی، فتح الله و جمادی، علی (۱۳۹۵). «بررسی مبانی فقهی و حقوقی تفاوت گذاری جنس و دین در نظام حقوق کیفری ایران». *مجله مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه*، ۱۲(۱): ۱۵۹-۱۶۷.

- فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۱). *رساله توضیح المسائل*. چاپ هشتاد و سوم، تهران: ناشر مرکز فقهی ائمه اطهار.

- مرعشی شوشتری، محمدحسن (۱۳۶۵). *شرح قانون حدود و قصاص*. جلد دوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- مفید، محمدبن نعمان (۱۴۱۰). *المقنعه*. قم: انتشارات کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.

- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۷). *توضیح المسائل*. چاپ بیست و چهارم، تهران: ناشر مدرسه الامام علی بن ابیطالب (ع).

- مکی العاملی (شهید اول)، ابی عبدالله شمس الدین محمدبن جمال الدین (۱۳۷۴). *لمعه دمشقیه*. جلد نهم، قم: انتشارات دارالفکر.

- منتظری، حسینعلی، (۱۴۳۱). *کتاب الحدود*. قم: انتشارات دارالفکر.

- موسوی خمینی، روح اله (۱۳۷۵). *تحریر الوسیله*. جلد دوم، چاپ سیزدهم، قم: انتشارات دفتر انتشارات اسلامی حوزه قم.

- میریان، افسانه؛ رشاد، معصومه و ایمانی، محمدرضا (۱۳۹۶). «بررسی تخفیف و تشدید مجازات زنان در حقوق کیفری ایران (قبل و بعد از انقلاب اسلامی)». *مجله پژوهش اجتماعی*، ۴۳: ۱۰۰-۱۱۶.

- نجفی، محمدحسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرایع الاسلام*. جلد چهل و یکم، قم: صدرا.

**تشکر و قدردانی:** از تمامی کسانی که در انجام این مقاله به نگارندگان کمک نموده‌اند، تشکر می‌نمایم.

**تأمین اعتبار پژوهش:** این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

### منابع و مأخذ

- بروجرودی، حسین (۱۳۸۶). *کتاب جامع احادیث شیعیه*. چاپ اول، تهران: فرهنگ سبز.

- جبعی عاملی (شهید ثانی). *زین الدین بن محمد (۱۳۷۴)*. *مسالك الافهام*. تهران: نشر دانشگاه تهران.

- جبعی عاملی (شهید ثانی). *زین الدین بن محمد (۱۴۱۰)*. *الروضه البهیة فی شرح المعه دمشقیه*. جلد نهم، تهران: انتشارات المکتبه العلمیه الاسلامیه.

- حبیبی تبار، جواد؛ خوش صورت، اعظم و خسروی، جواد (۱۳۹۸). «بررسی تأثیر جنسیت زنان در مجازات تبعید از منظر فقه و حقوق موضوعه ایران». *مجله مطالعات فقهی حقوقی زن و خانواده*، ۲ (۳): ۸-۲۷.

- حر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹). *وسایل الشیعیه*. جلد بیست و هشتم، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.

- حلی (محقق حلی). *ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (۱۳۷۰)*. *شرایع الاسلام المسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، قم: انتشارات استقلال.

- روحانی، محمدصادق (۱۴۲۲). *الفقه الصادق*. جلد بیست و پنجم، قم: انتشارات دارلکتاب.

- طباطبایی، سید علی (۱۴۱۲). *ریاض المسائل فی بیان الاحکام و بالدلائل*. جلد دوم، بیروت: انتشارات الهادی.

- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۳). *الخلاص*. قم: انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی.